

مشارکت اجتماعی زنان در قرآن و سنت

لیلا رضانی

چکیده

زنان و مردان در جامعه یکسان هستند و حق اختیار برابری دارند. با استناد به متون دینی می‌توان پی برد که اسلام نه تنها مخالف مشارک اجتماعی زنان نیست، بلکه زمینه حضور آنها را نیز فراهم می‌آورد. این تحقیق با بررسی تاریخچه مشارکت اجتماعی زنان و همچنین استخراج آداب مشارکت اجتماعی زنان و آسیب شناسی آن در پی آن با روش کتابخانه‌ای مشارکت اجتماعی زنان را بررسی کنند. **واژگان کلیدی:** مشارکت اجتماعی، آداب مشارکت، قرآن و روایات.

مقدمه

از نظر قرآن، زنان همچون مردان می‌توانند فعالیت کنند و مالک هر چیزی شوند که با تالش خود کسب کرده‌اند؛ همان طور که مردان آنچه را که از راه کسب به دست آورده‌اند، بهره‌آنان دانسته است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است.^۱

قرآن زن را در چهره ملکه سبأ هم چون انسانی برای ما ترسیم می‌کند که از عقل و خرد برخوردار است و تسلیم عواطف و احساسات خودش نیست، زیرا مسئولیت او توانسته به وی پختگی و کمال، تجربه، قوت عقل و اندیشه ببخشد، به گونه‌ای که تا سطح حکومت و فرمانروایی بر مردان پیش برود؛ مردانی که در او شخصیت توانا و خردمندی را می‌دیدند که بر اداره شئون و امور اجتماعی توانمند بود. حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از موضوعاتی است همیشه مورد پرسش جوامع بوده است. حقیقت این است که در گذشته‌های دور و حتی نزدیک زنان را همانند مردان باور نداشتند که می‌توانند در عرصه‌های مختلف فعالانه حضور داشته باشد. بر اساس این تفکر نیمی از جمعیت فعال و سازنده جامع به تدریج از سه دهه قبل ضرورت حضور و مشارکت زنان حس شد و در بسیاری از جوامع و زنان پا به پای مردان به عرصه اجتماعی آمدند و با پیشرفت علم و شناسایی استعداد و توانایی زنان، زن به عنوان یک عنصر تاثیرگذار در جوامع مختلف مطرح شد.

انسان برای تبادل اطلاعات و انتقال پیام‌های خود به دیگران، چاره‌ای جز ارتباط با هم‌نوعان خود ندارد. حضور زنان در جامعه و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی نیز بدون ارتباط با مردان و تعامل با آنان امکان‌پذیر نخواهد بود. در طول دوران زندگی، زنان به‌طور ناخودآگاه این اندیشه و تفکر منفی درباره‌ی خود را پذیرفته و در رفتار و کردار خود ظاهر ساخته‌اند. به‌طور طبیعی رشد شخصیت، اعتماد

به نفس و دیدگاه زن نسبت به خودش، زمانی مثبت و سازنده است که بتواند در جامعه و در فعالیت‌های جمعی، به شیوه‌های مختلف مشارکت داشته‌باشد.

آموزش زنان و دختران ضمن آنکه باعث توانمندسازی بخش عظیمی از نیروی انسانی و بهبود وضعیت مالی خانواده می‌شود، به دلیل نفوذ بیشتر آنها در خانواده و آثار مستقیم دانایی و آگاهی‌شان بر تربیت فرزندان، تأثیرات اجتماعی وسیعی را نیز در پی خواهد داشت. آموزش دختران در جوامع پیشرفته از چنان اهمیتی برخوردار است که هیچ دولت، حزب سیاستمدار و اجتماعی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن اهمیت آموزش دختران، همسان پسران، به اهداف بزرگ ملی خود اعم از توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و بالاخره اخلاق حسنه و حجب ذاتی نائل آید، چون قابلیت و توانمندی تولید اقتصادی، برابری اجتماعی، وفاق اجتماعی و اصل اجرای عدالت اجتماعی، پیشرفت هنر و صنعت و کاربرد عملی و مثبت دین و بالاخره تداوم تلاشهای توسعه، نیازمند شرکت دادن دختران اعم از شهری و روستایی در آموزش همگانی‌ست. افزایش توانمندی زنان در امر آموزش و تحصیل، آنان را قادر خواهد ساخت با کسب درآمد مستقل، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده و دفاع از حق و حقوق خود به عنوان یک فرد از جامعه، با دید وسیع‌تر به مسایل و مشکلات جامعه‌ی خود نگرسته و ابراز وجود کنند. این مقاله در پی بررسی آسیب‌ها و چگونگی مشارکت اجتماعی زنان است و در ادامه به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد که عبارتند از: زنان باید چه آدابی را در مشارکت اجتماعی رعایت کنند؟ آسیب‌های مشارکت اجتماعی زنان چیست؟

مهدی مهریزی در کتاب زن در اندیشه اسلامی (۱۳۸۱) با روش علمی - تحقیقی و با محوریت قرآن و احادیث به نقش زن در خانواده و مشارکت زنان در حیات اجتماعی پرداخته است. مهریزی در این کتاب اینکه زن بین خانه نشینی و یا مشارکت اجتماعی باید یکی را انتخاب کند را رد می‌کند و با استفاده از متون دینی راه میانه را پیشنهاد می‌کند.

سید مهدی احمدی و سیده رقیه سیدی جربندی در بهار سال ۱۳۹۰، مقاله‌ای را تحت عنوان مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی تدوین نموده‌اند. در بخش اول این مقاله در مورد آداب مشارکت زنان و مردان و در بخش دوم به آدابی که ویژه زنان می‌باشد، پرداخته‌اند. از

این مقاله نتیجه‌گیری می‌شود که زنان و مردان باید در مشارکت اجتماعی حدود و اندازه برخورد با جنس مخالف را رعایت کنند.

مفهوم شناسی

واژه «مشارکت» در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای متفاوتی همچون با هم شریک شدن، شرکت کردن با هم، شراکت، انبازی، حصه داری و بهره‌برداری به کار رفته است.^۱ این واژه با واژگان «همکاری»، «خود یاری»، «دگر یاری» و «تعاون» قرابت معنایی دارد. مشارکت به معنی مصطلح آن «هم دست شدن در کار» و در «اجتماع پیرامون یک امر» تعریف شده است. در ادبیات اجتماعی و سیاسی به مشارکت از مناظر مختلف، توجه شده است. مشارکت به عنوان نوعی «کنش ارتباطی مبتنی بر فهم متقابل»، «کنش هدفمند ناظر بر فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او برای نیل به اهداف معین»، «افزایش درک و توان مردم برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه»، «تشویق ابتکارات محلی فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب» و «ایجاد فرصت برای قشرهای پایین به منظور بهبود شرایط زندگی تعریف کرده‌اند.

از حیث مفهومی، واژه «مشارکت» به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرآیند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست.^۲

مشارکت اجتماعی واژه‌ای ترکیبی از مشارکت به معنی شریک شدن، همکاری کردن و شراکت و اجتماعی به معنی مدنی، جمعی، همگانی و هر چیزی است که منسوب به اجتماع باشد. مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای تعریف کرد که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر گرفتن هدف‌های معین و مشخص، که موجب سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود، در آن شرکت می‌کنند. یا مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن

۱. دهخدا

۲. علوی تبار، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، ص ۱۵

اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند.

به طور کلی می‌توان گفت مشارکت اجتماعی، کنش آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان یافته افراد و گروه‌ها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی می‌باشد. مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ حاشیه نشینی و شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های دموکراتیک، سهمیم شدن در منابع قدرت و تقویت روحی مسئولیت پذیری همراه است. از سوی دیگر میزان مشارکت‌ها بیانگر سطح توسعه یافتگی جامعه می‌باشد چرا که گستردگی، فراگیری و تنوع مشارکت اجتماعی در جامعه، نماد قدرت تصمیم گیری افراد جامعه، نظارت و کنترل اجتماعی و نشانه دموکراتیک بودن جامعه است.

تاریخچه مشارکت اجتماعی زنان

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، سابقه طولانی دارد، چنانکه کرارا در تاریخ اسلام به مواردی برمی‌خوریم که زنان بزرگی چون خدیجه کبری (ع)، فاطمه (ع)، دختر گرامی پیامبر (ص) و زینب دختر گرامی حضرت علی (ع) و دیگر بانوان مسلمان با مشارکت فعال در صحنه‌هایی که ضرورت می‌یافت، از طریق خطابه، مبارزه و حمایت از مقام رسالت و امامت و ولایت، نقشهای مؤثری ایفاء می‌کردند. تاریخ نشان می‌دهد در اکثر ملل و اقوام، زن را یک موجود ضعیف و ناچیز به شمار می‌آوردند. به دختران ارث نمی‌دادند و فقط زن را برای خدمت به مردان و اطفای شهوت جنسی برای مردها نگاه می‌داشتند. زن از سرنوشت و آینده خود کاملاً ناآگاه بود. اسلام به زن شخصیت داد و زن صالحه را به عنوان یکی از گل‌های بهشت معرفی کرد، دخترا گلی خوشبو برای پدر و مادر ذکر فرمود و کوشید توجه والدین و دیگر افراد را به سوی مقام زن معطوف دارد. همچنین اسلام اعتقادی را که درباره هویت زن داشته و عملاً با او بر طبق آن رفتار می‌کردند را ملغاً ساخت و مرد و زن را از لحاظ تدویر و شوون زندگی به وسیله اراده و کار مساوی دانست.

کم شدن حضور زن در خانه: کمی حضور زن در خانه باعث می‌شود کودک از لحاظ عاطفی ارضا

نشود. این در حالی است که روانشناسان معتقدند کودکان در سالهای اولیه، نیاز شدید به عاطفه دارند که تنها از طریق مادر تأمین می‌شود و با هیچ نهاد جایگزین دیگر تأمین نمی‌شود. با شاغل شدن زن که مهمترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و ایجاد فضایل دارد، لطمه شدید روحی به فرزندش وارد می‌شود و به همان مقدار که از فرزندش دور می‌شود، نفوذش در او کم می‌شود.

کم شدن میل به فرزند داشتن: خانواده‌های دو درآمدی بخش بزرگ و رو به رشدی از نیروی کار را

تشکیل می‌دهند. زنان شاغل فشار مضاعفی را متحمل می‌شوند، زیرا اغلب آنها باید بار دو مسئولیت خانه‌داری و فعالیت اجتماعی را به دوش بکشند. مشغولیت در دو محیط و داشتن مسئولیت‌های سنگین، مشکلاتی را در بردارد که باعث از دست رفتن توان و نیروی زنان شده و موجب می‌شود که آنها کمتر بتوانند به طور مطلوب در هریک از این زمینه‌ها کارایی لازم را داشته باشند. زنان در پاسخگویی به انتظارات و نیازهای هر دو نقش «خانوادگی و شغلی»، که مستلزم توان و پاسخگویی بالاست، بعضاً با کمبود انرژی و در نتیجه ضعف و ناتوانی روبه رو می‌شوند. ترکیب تعهد مادر بودن با اشتغال و کار در مواردی به تضاد و تناقض برای زنان منجر می‌شود و در مواردی با فشارهای جسمی و روانی همراه می‌گردد. از سوی دیگر، وظایف والدین با افزایش تعداد فرزندان افزایش می‌یابد و هرچه سن فرزندان کمتر باشد، مواظبت و مراقبت از آنها وقت بیشتری از والدین، به ویژه مادر، طلب می‌کند و بنابراین احتمال بروز تداخل نقش‌های خانوادگی با نقش‌های شغلی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، در محیط کار نیز کارفرمایان از زنان شاغل انتظار دارند که با بالاترین وجدان کاری و پا به پای مردان همکار خویش، به ارائه خدمات و انجام وظایف شغلی بپردازند و معمولاً اغمازی هم درباره شرایط آنها صورت نمی‌گیرد و هر درخواست یا اقدامی از جانب زنان شاغل، مانند درخواست مرخصی ساعتی، مرخصی زایمان، مخالفت با پذیرش شیفتهای اضافی کار، و امتناع از پذیرش مسئولیت‌های شغلی سنگین‌تر و نظایر آن، از سوی کارفرماها به منزله شواهدی دال بر اینکه مادران شاغل به عنوان نیروی انسانی نامطمئن، تقصیر کار، و ناتوان‌اند، تعبیر می‌شود.

اما در دنیای اسلام که از بستر تاریخی عمیقی هم برخوردار است، زنان با کمترین نقصان به نظام خانواده می‌توانند در حیات اقتصادی - اجتماعی جامعه ایفای نقش نمایند. بنابراین، با تأسی به الگوی اسلامی می‌توان ضمن حفظ و استحکام نهاد خانواده، بحث حضور اجتماعی زنان را پررنگ‌تر و قوی‌تر نمود. اساساً این فرضیه که با مشارکت بیشتر زنان در اجتماع، نقش آنها در نظام خانواده دچار اختلال یا ستیزه نقش‌ها می‌شود، مردود شمرده می‌شود؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد که به ندرت خانواده روستایی را می‌توان یافت که زنان در فعالیتهای اقتصادی آن هیچ نقشی نداشته باشند.

نتیجه گیری

در ابتدا تصور مردم این چنین بود که زنان نمی‌توانند همانند مردان در عرصه‌های مختلف حضور فعالانه داشته باشند و نقش زنان را تنها چهارچوب خانه و خانواده می‌دیدند. اما به تدریج و در زمان معاصر زنان پا به پای مردان به عرصه اجتماعی آمدند و با نشان دادن استعدادها و توانایی‌های خود به عنصر تاثیرگذار در جوامع مختلف تبدیل شدند. اسلام زن و مرد را مساوی می‌داند، با نگاه به تاریخ اسلام زنان بزرگی چون حضرت خدیجه (ع.ا.س) حضرت فاطمه (ع.ا.س) و حضرت زینب (ع.ا.س) بانوانی بودند که مشارکت فعال در صحنه‌های اجتماعی داشتند. اسلام نه تنها از حضور زنان در اجتماع جلوگیری نکرده است، بلکه زمینه‌های لازم را برای حضور مناسب زنان در جامعه فراهم می‌کند. مشارکت اجتماعی زنان آداب و رسوم دارد که عبارتند از: غض بصر که به معنای بستن دیدگان نیست بلکه خودداری از نگاه ناپاک است. پرهیز از دست دادن زنان به مردان: پیامبر (ص.ا.ع) در هنگام بیعت دست هیچ زنی را لمس نمی‌کردند. اجتناب از خلوت: برای پیشگیری از وسوسه‌های شیطانی اسلام دستور می‌دهد زنان و مردان نامحرم هیچ‌گاه در محیط خلوت قرار نگیرند. پوشش مناسب: زن در معاشرت و ارتباط با مردان باید بدن خود را بپوشاند و جلوه‌گری و خودنمایی نکند. پرهیز از محادثه: گفتگویی که موجب فتنه‌انگیزی شود ممنوع است. خودداری از به ناز سخن گفتن: زنان نباید با مردان نامحرم موقع ادای کلمات صدایشان را نازک و نرم کنند مانند سخن گفتن زن با همسر خود و یا با کودکان خود. وقار در رفت و آمد و حیا: وجود حیا در زنان از صفات ارزشمند است و جهت حفظ کیان خانواده و تأمین سلامت روحی و معنوی اعضای خانواده در قرآن کریم و روایات به آن بسیار تأکید شده است. حضور زنان در اجتماع آسیب‌هایی نیز دارد از جمله: فشار مضاعف، آزار و اذیت جنسی زنان در محیط کار، بیکاری مردان، سست شدن کانون خانواده، کم شدن حضور زن در خانه و کم شدن میل به فرزند داشتن، با وجود همه این آسیب‌های گفته شده زنان محدودیتی در مشارکت اجتماعی ندارند و آنها می‌توانند با میانه‌روی و برقراری اعتدال بین خانه و محیط کار در هر دو زمینه موفق باشند.

منابع

قرآن

غرر الحکم و درر الکلم

وسائل الشیعه

احمدی، مهدی؛ سیدی، جربندی، «مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه شناسی زنان، ۱۳۹۰ ه، ش، شماره ۱.

اسحاقی، محمد؛ پاپی نژاد، شهربانو؛ جهاندار، زینب؛ محبی، فاطمه، «چالشهای فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی»، نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۳ ه، ش، شماره ۱
اصلاحی، متین؛ اصلاحی، مهشید، «مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام»، فصلنامه تاریخ نو، ۱۳۹۴ ه، ش، شماره ۱۱

بشیریه، حسن، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴ ه، ش

تازه، مهدی؛ خادمی، حسین؛ صدیقی، رضا؛ گلشیری اصفهانی، زهرا، «تاثیر انسجام اجتماعی در میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان، شهرستان بروجن»، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳۹۳ ه، ش، شماره ۱

جلالی کندی، سهیل، «آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام»، تحقیقات علوم و حدیث، ۱۳۸۴ ه، ش، شماره ۲.

حسن پور، محسن، «مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان از دیدگاه قرآن»، بینات، ۱۳۹۳ ه، ش، شماره

۴

رستمی، فرزاد؛ صفری، عرفان، «مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان؛ ضرورت ها و راهبردها»، مجله پژوهش و مطالعات اجتماعی، ۱۳۹۸ ه، ش، شماره ۴

رنجبریان، رسول، «مشارکت اجتماعی و کار آفرینی»، کار و جامعه، ۱۳۹۰ ه، ش، شماره ۱۳۳

صدوق، محمد بن علی، خصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه، ش

صدیق اورعی، غلامرضا، «اشتغال زنان»، پیام زن، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ش ۴۹-۵۲

عظیمی، زهرا، نگاهی به حقوق زن در اسلام، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۶ه، ش

علوی تبار، علیرضا، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان، تهران: وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، چاپ اول، ۱۳۷۹ه، ش

علوی، محمد، عتیق، مصحح: حسین موسوی بروجردی، قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۶ه، ش
عیوضی، رحیم؛ کریمی، غلامرضا، «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، ۱۳۹۰ ه، ش، شماره ۲.

قیصری، نورالله، «مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی»، فصلنامه مطالعات راهبردی
ناجا، ۱۳۹۸

مهریزی، مهدی، زن در اندیشه اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه، ش، شماره ۱۱.